

Research Article

<http://isoedmag.ir>

مقاله علمی پژوهشی

صفحه ۱۰۳-۱۲۶

عنوان: بازاندیشی در ساختار مدارس: طراحی و تایید مدل خلاقیت محور برای آموزش ابتدایی

فردین فروغی سوها^۱، عادل زاهد بابلان^۲، علی خالق خواه^۳ و مهدی معینی کیا^۴

اطلاعات مربوط به

چکیده

مقاله

هدف پژوهش حاضر بازاندیشی در ساختار مدارس: طراحی و تایید مدل خلاقیت محور برای آموزش ابتدایی بود. پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت محتوایی کیفی - کمی می باشد. در فاز کیفی برای بدست آوردن داده ها از مصاحبه ساختارمند استفاده شد و نتایج بدست آمده با استفاده از روش اشتراوس و کوربین در قالب کدهای باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله کمی، داده ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس نتایج کیفی مرحله اول گردآوری شده و برای تجزیه و تحلیل از روش مدل معادلات ساختاری (حداقل مربعات جزئی استفاده) شد. جامعه آماری بخش کیفی سرگروه های درسی و معلمان سرآمد استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند که تا دستیابی به اشباع نظری و با روش نمونه گیری هدفمند ۱۲ نفر انتخاب شدند. جامعه آماری بخش کمی نیز کلیه معلمان زن و مرد شاغل در ناحیه یک اردبیل به تعداد ۱۰۷۰ نفر اردبیل بودند که بر اساس فرمول کوکران ۳۲۰ نفر با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج حاکی از آن است که در مرحله کیفی ۷۱ کد باز، ۱۷ کد محوری و ۶ کد انتخابی به دست آمده و مشخص شد که الگوی مدرسه خلاق تحت تاثیر مقوله های آموزش و توسعه حرفه ای، برنامه ریزی و طراحی درسی، فرهنگ خلاقانه، توسعه خودکار آمدی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، کالبد آموزشی، فعالیت های یاددهی یادگیری، تکنولوژی آموزشی، ارتباط با جامعه، سازمان مثبت گرا، ترویج پژوهش قرار دارد. همچنین طبق نتایج مرحله کمی تمام مولفه های با مقوله خود رابط مثبت و معناداری دارند. ($P < 0.05$ و مقدار $t > 96/1$) طبق نتایج و با توجه به تغییر و تحولات روزافزون در ساحت های مختلف و توسعه تکنولوژی پرداختن به خلاقیت و سرمایه گذاری در رشد و نمو آن بیش از پیش لازم و ضروری است.

کلید واژگان

خلاقیت، مدارس
خلق، دوره ابتدایی^۱. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. ایران fardin.foroghi.2018@gmail.com^۲. نویسنده مسئول: استاد دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. ایران Zahed@uma.ac.ir^۳. دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. ایران alikhaleg@gmail.com^۴. دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل. ایران m_moeinikia@uma.ac.ir

مقدمه

با توجه به تغییر و تحولات روزافزون در ساحت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آموزشی و توسعه بیش از پیش فناوری، پرورش قدرت تخیل، خلاقیت و نوآوری برای مواجهه با چالش‌های احتمالی این تحولات، امری ضروری است (کولی^۱، ۲۰۱۵). خلاقیت، ابتکار و نوآوری مرحله‌ای از رشد عقلی است که می‌تواند منجر به ساخت و ایجاد موقعیتی برای راحت‌تر زیستن شود. خلاقیت یک سازه یا یک پدیده واحد نیست بلکه یک مفهوم در قالب برچسب علمی است که برای اقدامات یا اعمال گوناگون و متنوع انسان به کار می‌رود که می‌تواند منجر به نتایج جدید و با ارزشمند شود (گلانونو^۲، ۲۰۱۸). به نقل از شکوهی و همکاران، (۱۳۹۷). امروزه یادگیرندگان به سرعت می‌توانند راه‌های یادگیری و استفاده از یادگیری‌های قبلی را به‌طور طبیعی و با راهنمایی بسیار کمی دریابند. آنها خالقان پرورش، مبتکران و هنرمندانی هستند که منتظر شکوفا شدن هستند. هکی و ویستر^۳ (۲۰۰۱) تأکید می‌کنند که یادگیرندگان در هر سنی باید به صورت خلاقانه آموزش داده شوند تا خودشان خلاق باشند. اگر چه علاقه به خلاقیت به عصر افلاطون بر می‌گردد (کروپلی^۴، ۲۰۰۴)، اما استدلال بر اینکه آیا خلاقیت تابع آموزش است به قرن نوزدهم مربوط می‌شود (بیر و کافمن^۵، ۲۰۰۶) هنگامی که گیلفورد خواستار توجه بیشتر به مطالعه خلاقیت در سال ۱۹۵۰ شد، افراد به خلاقیت گیلفورد به عنوان مجموعه‌ای از خصوصیات فردی از جمله ویژگی‌های شخصیتی، توانایی‌های شناختی، انگیزه و مهارت‌های تفکر واگرا می‌نگریستند. تنها در دو دهه گذشته روانشناسان به درک اهمیت عوامل محیطی مانند جامعه محیط خانواده و مدارس بر خلاقیت پرداخته‌اند (نیو و استرنبرگ^۶، ۲۰۰۳).

با توجه به اهمیت روزافزون خلاقیت، جوامع مختلف در سراسر جهان توجه خود را به این نکته معطوف کرده‌اند که کودکان و نوجوانان چگونه می‌توانند خلاقیت را از طریق آموزش بدست آورند (وایز و فراری^۷، ۲۰۱۵). از این‌رو در دهه‌های اخیر علاقه به خلاقیت در حوزه آموزش و پرورش رشد فزاینده‌ای پیدا کرد (هانگ و همکاران^۸، ۲۰۱۹). و بنابر نتایج پژوهش‌های گوناگون و بر خلاف برخی تصورات غلط که خلاقیت را ذاتی می‌دانند، خلاقیت امری اکتسابی بوده و پرورش آن در میان یادگیرندگان می‌تواند یکی از پیامدهای مثبت یادگیری در مدارس باشد (احدی و همکاران، ۱۳۹۲). مدارس را می‌توان بعنوان جایگاهی در نظر گرفت که فراتر از عمل دانش‌افزایی عمل کرده و به توسعه خلاقیت در یادگیرندگان می‌پردازد؛ به شرط اینکه، در کلاس درس رویکردهایی که به کار بسته می‌شوند مسئله محور بوده و ریسک‌پذیری و تفکر واگرا را در دانش‌آموزان تقویت نماید. به عبارتی مدرسه باید از جنس مدارس خلاق باشد. مدرسه خلاق، جایی است که فراگیران و معلمان در آنجا لحظاتی را با انرژی و شادکامی مضاعف سپری کرده و با مسائلی که در محیط زندگی واقعی رخ می‌دهد دست و پنجه نرم می‌کنند. در این نوع مدارس زمان و نحوه سپری شدن آن مطرح نبوده، دانش‌آموزان و معلمان بعد از رسیدن به هدف، آن را شروعی دوباره برای اهداف دیگر در نظر می‌گیرند. در مدارس

۱. Colley
۲. Glaveanu
۳. Hickey & Webster
۴. Copley
۵. Baer & Kaufman
۶. Niu & Sternberg
۷. Wysea & Ferrari
۸. Huang & et al

خلاق عملکرد و اهداف معلم و دانش آموز همسو بوده و برای رسیدن به اهدافشان تلاش مستمر دارند. آنان از اشتباه کردن هراسی ندارند بلکه آن را رهنمودی برای یادگیری تلقی می کنند (یاسمی و همکاران، ۱۳۹۹). از آنجایی که در مدرسه خلاق، تعداد زیادی از بزرگسالان، والدین دانش آموزان، متخصصان، افرادی با مشاغل گوناگون و همچنین افراد علاقه مند به فعالیت های آموزشی، درگیر می شوند پس می توان آن را به عنوان اجتماع یادگیری در نظر گرفت. به طوری که در این نوع مدارس بزرگسالان و دانش آموزان به صورت مشارکتی به برنامه ریزی می پردازند. به طور کلی در مدارس خلاق افرادی که میل به همکاری با مجموعه های آموزشی دارند بدون توجه به پست و مقام، و یا حرفه و شغل می توانند تجارب و آموخته های قبلی خود را، که اثربخشی آن مورد تایید است با دانش آموزان و سایر عوامل مدرسه به اشتراک بگذارند. از آنجایی که مدارس خلاق از اجتماع یادگیری استقبال می شود، بنابراین افراد مشارکت کننده از متن برنامه درسی تا تهیه و تدوین ابزارهای آموزشی با مدرسه همکاری می کنند. در همه زمینه های یاد شده، تعاملی پویا و دو جانبه میان دانش آموزان و اجتماع یادگیری که با مدرسه خلاق در تعامل است، دیده می شود. همان طور که اشاره شد، اجتماع یادگیری دربرگیرنده تمام افرادی است که دوستدار همکاری با این مجموعه اند. در حقیقت مدرسه خلاق مانند آزمایشگاهی است که در آن می توان تجارب عملی کسب کرد و این کار با همکاری و مشارکت همه افراد علاقه مند در به اشتراک گذاشتن تجارب خود صورت می پذیرد. در مدرسه خلاق می توان استعدادها و علاقه های کودکان را در حال یادگیری کشف کرد و هر دانش آموز را متناسب با استعداد و علایقش راهنمایی کرد. در این صورت هزینه ها برای خانواده و سیستم آموزشی به حداقل خود خواهد رسید (حسینی، جلالوند، ۱۳۹۴).

بهشتی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان تاثیر معلم در ایجاد خلاقیت و نقش خلاقیت در پیشرفت دانش آموزان معتقدند که، امروزه خلاقیت به عنوان یک مفهوم پرطرفدار در حوزه آموزش شناخته می شود و این موضوع به عنوان یک مزیت بزرگ برای معلمان به شمار می آید. به همین دلیل، پرورش خلاقیت در دانش آموزان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به طوری که، بسیاری از متخصصان روان شناسی و آموزش بر این باورند که مهارت های خلاقانه بخشی از مهارت های روانشناختی هستند که برای موفقیت در محیط های آموزشی و حرفه ای آینده ضروری اند. اکثر شرکت های بزرگ و معتبر به دنبال جذب افراد خلاق در تیم های خود هستند. از این رو، مدارس نیز مسئولیت دارند تا به دانش آموزان آموزش های مؤثری در زمینه پرورش و شکوفایی خلاقیت ارائه دهند. همچنین خانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان نقش طراحی آموزشی در ارتقای خلاقیت دانش آموزان ابتدایی اظهار دارد که، آشنایی با روش های شناسایی و پرورش خلاقیت دانش آموزان برای معلمان در مدارس و همچنین والدین در خانه بسیار سودمند است و می تواند به تقویت و توسعه مهارت های خلاقانه فراگیران کمک کند. این موضوع که آیا خلاقیت نیز مانند هوش قابل اندازه گیری، ارزیابی و تقویت است یا خیر، خود یک مسئله مهم و قابل تأمل به شمار می آید. آگاهی از ویژگی های افراد خلاق می تواند در فرآیند رشد و شکوفایی مهارت های خلاقانه کودکان در محیط های آموزشی و خانوادگی تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال، شناخت ویژگی های چون کنجکاوی، انعطاف پذیری در تفکر و توانایی حل مسئله به معلمان و والدین کمک می کند تا محیطی مناسب برای پرورش خلاقیت فراهم کنند. یاسمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان طراحی الگوی مدرسه خلاق برای دوره ابتدایی و اعتبار بخشی آن از دیدگاه متخصصان بر این باورند که در کشورهای پیشرفته، پرورش خلاقیت یکی از اهداف برجسته و بنیادین نظام آموزشی به شمار می آید؛ به طوری که در شرایط حساس و بحرانی کنونی و با توجه به تحولات سریع و غیرقابل اجتناب در سطح جهانی، اگر به دنبال شکوفایی استعدادها و رشد خلاقیت و نوآوری در افراد هستیم، ضروری است که نظام آموزشی را دگرگون کنیم. تنها معلمان که خود خلاق هستند می توانند دانش آموزانی خلاق و نوآور تربیت کنند و تنها یک نظام آموزشی

فعال، خلقی و در حال تحول می‌تواند در دستیابی به این هدف تاریخی موفق عمل کند. همچنین آنان بر این باورند که اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدین، استفاده از شیوه‌های تشویقی و اجرای طرح‌های نوین، می‌تواند به رشد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان کمک کند. همچنین، برگزاری تمرینات ویژه برای دانش‌آموزان و به کارگیری روش‌های تدریس فعال و پویا از جمله اقداماتی است که می‌توان در این راستا انجام داد. از طرفی تیلور و جونز^۱ (۲۰۲۳) به پژوهشی که انجام دادند بر این باورند که مدارس خلقی می‌توانند به کاهش استرس و اضطراب در دانش‌آموزان کمک کنند. یافته‌ها نشان دادند که محیط‌های آموزشی خلقی، به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که به راحتی ایده‌ها و احساسات خود را بیان کنند. همچنین، این پژوهش نشان داد که دانش‌آموزان در این محیط‌ها احساس امنیت بیشتری دارند و به راحتی می‌توانند در فرآیند یادگیری شرکت کنند. همچنین اسمس و برون^۲ (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر روش‌های آموزشی خلقی بر روی دانش‌آموزان نیازهای ویژه پرداختند. نتایج نشان داد که استفاده از روش‌های خلاقانه به بهبود یادگیری و پیشرفت تحصیلی این دانش‌آموزان کمک کرده است. محققان تأکید کردند که مدارس خلقی می‌توانند به عنوان یک بستر مناسب برای گنجاندن دانش‌آموزان با نیازهای ویژه عمل کنند و به آن‌ها فرصت‌های برابر برای یادگیری فراهم آورند. فلاجر و ریمر^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان نقش خلاقیت در آموزش و پرورش نشان دادند که مدارس خلقی می‌توانند به افزایش مهارت‌های حل مسئله در دانش‌آموزان کمک کنند. محققان دریافتند که دانش‌آموزان در محیط‌های خلقی، توانایی بهتری در برخورد با چالش‌ها و مشکلات دارند. این مطالعه بر اهمیت ایجاد فضایی حمایتی و تشویق‌کننده در مدارس تأکید می‌کند که به رشد خلاقیت دانش‌آموزان کمک کند. با توجه به نقش خلاقیت در رشد و توسعه جامعه و اکتسابی بودن آن، هدف پژوهش حاضر شناسایی و اعتباریابی الگوی مدرسه خلقی در دوره ابتدایی است.

سؤالات تحقیق

مولفه‌ها و شاخص‌های الگوی مدرسه خلقی در دوره ابتدایی کدامند؟

آیا الگو مدرسه خلقی در دوره ابتدایی از اعتبار لازم برخوردار است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت محتوایی، آمیخته با رویکرد اکتشافی است که در دو فاز کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، از روش نظریه داده بنیاد (گراندد تئوری) و در بخش کمی، از روش توصیفی پیمایشی استفاده شد. برای گردآوری داده‌های کیفی از روش مصاحبه ساختارمند استفاده شده و نتایج آن در راستای تدوین مدل پارادایمی، با روش اشتراوس و کوربین (رهیافت نظام‌مند) در سه محور کدهای باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جامعه آماری بخش کیفی پژوهش شامل سرگروه‌های درسی و معلمان سرآمد استان اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بود. این جامعه دارای شاخص‌های ورودی شامل سابقه بیش از ۵ سال کار در دوره ابتدایی، عضویت در گروه‌های درسی، داشتن مقالات یا تألیفات در حوزه خلاقیت و داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد است. همچنین جامعه آماری بخش کمی، شامل کلیه همکاران دوره

¹ Taylor, Jones

² Smith & Brown

³ Fletcher, Riemer

ابتدایی شاغل به تدریس در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در نواحی یک اردبیل به تعداد ۱۰۷۰ نفر بود. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی، نمونه‌گیری هدفمند بود و این عمل تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. که در پژوهش حاضر، پس از انجام ۱۲ مصاحبه، اشباع نظری اتفاق افتاد (جدول ۱). در بخش کمی نیز، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا نواحی یک و سپس مدارس و در نهایت کلاس‌های درس به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. حجم نمونه آماری بر اساس جدول مورگان ۳۲۰ نفر تعیین شد. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه محقق ساخته ۷۰ گویه‌ای (جدول ۲) که بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای (خیلی کم: ۱ تا خیلی زیاد: ۵) نمره‌گذاری شده بود، گردآوری گردید. برای بررسی پایایی نتایج کیفی از روش دوکدگذار (محاسبه ضریب کاپای کوهن) و برای محاسبه پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. که مقدار آن ۰/۹۷ بدست آمد که نشان از پایایی مطلوب ابزار پرسشنامه است (جدول ۲). روایی محتوایی پرسشنامه نیز مورد تایید اساتید حوزه علوم تربیتی بوده و تجزیه و تحلیل داده‌های کمی با بکاراست نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS صورت گرفت.

جدول ۱: مشخصات کلی افراد مورد مصاحبه در مرحله کیفی

ردیف	کد مصاحبه شونده	پست سازمانی	محل خدمت	مدت مصاحبه
۱	م ۱	معلم نمونه	ناحیه یک اردبیل	۴۵
۲	م ۲	معلم نمونه	ناحیه یک اردبیل	۵۰
۳	م ۳	معلم نمونه	ناحیه دو اردبیل	۵۰
۴	م ۴	معلم نمونه	ناحیه دو اردبیل	۴۸
۵	م ۵	سرگروه آموزشی	ناحیه یک اردبیل	۵۵
۶	م ۶	سرگروه آموزشی	ناحیه یک اردبیل	۴۰
۷	م ۷	سرگروه آموزشی	ناحیه یک اردبیل	۵۵
۸	م ۸	معلم نمونه	ناحیه دو اردبیل	۶۰
۹	م ۹	معلم نمونه	ناحیه یک اردبیل	۵۰
۱۰	م ۱۰	معلم نمونه	ناحیه دو اردبیل	۴۵
۱۱	م ۱۱	معلم نمونه	ناحیه دو اردبیل	۶۰
۱۲	م ۱۲	معلم نمونه	ناحیه یک اردبیل	۴۵

محاسبه ضریب کاپای کوهن: ضریب کاپای کوهن معیاری برای اندازه‌گیری توافق بین دو یا چند قضاوت کننده است که داده‌های کیفی را طبقه‌بندی می‌کنند. این ضریب مقدار توافق واقعی را نسبت به توافق تصادفی نشان می‌دهد و مقادیری بین ۱- تا ۱ دارد؛ مقادیر نزدیک به ۱ نشان‌دهنده توافق بالا و مقادیر نزدیک به ۰ نشان‌دهنده توافق تصادفی هستند.

جدول ۲: ضریب کاپای کوهن

شخص ب		شخص الف	
موافقم	مخالفم		
۶۲	۲	موافقم	
۱	۶	مخالفم	

$$\frac{\Pr(a) - \Pr(e)}{1 - \Pr(e)} = \frac{0/96 - 0/81}{1 - 0/81} = \frac{0/15}{0/19} = 0/80$$

با توجه به اینکه مقدار ضریب محاسبه شده در محدوده $0/61 \geq \text{کاپا} \geq 0/80$ قرار دارد می توان ادعان داشت که توافق بسیار خوب بوده و داده های کیفی از پایایی مطلوبی برخوردار هستند.

جدول ۳: تخصیص گویه ها به مولفه ها

ردیف	مولفه اصلی	مولفه فرعی (گویه ها)	ضریب آلفای کرونباخ
۱	آموزش و توسعه حرفه ای	۹	0/94
۲	برنامه ریزی و طراحی درسی	۶	0/۹۱
۳	فرهنگ خلاقانه	۶	0/۹۲
۴	توسعه خودکار آمدی	۵	0/۹۱
۵	مقوله محوری	۴	0/۷۳
۶	عوامل خانوادگی	۷	0/۸۷
۷	عوامل اجتماعی	۳	0/۷۷
۸	عوامل اقتصادی	۳	0/۷۵
۹	کالبد آموزشی	۳	0/۸۸
۱۰	فعالیت های یاددهی یادگیری	۴	0/۸۸
۱۱	تکنولوژی آموزشی	۴	0/۸۶
۱۲	ارتباط با جامعه	۳	0/۷۶
۱۳	سازمان مثبت گرا	۳	0/۷۴
۱۴	ترویج پژوهش	۳	0/۷۵

۰/۷۸	۳	تربیت شهروند مطلوب	۱۵
۰/۷۲	۲	بهبود بهره‌وری	۱۶
۰/۷۹	۳	اعتلای توانمندی‌ها	۱۷
۰/۹۷	۷۱	تعداد کل سوالات	

یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخگویی به پرسش اول پژوهشی، بر اساس داده‌های استخراج شده از فرایند مصاحبه با روش اشتراوس و کوربین، ۶ کد انتخابی، ۱۷ کد محوری و ۷۱ کد باز برای مدرسه خلاق شناسایی شد. عوامل علی دارای چهار مقوله (آموزش و توسعه حرفه‌ای، برنامه‌ریزی و طراحی درسی، فرهنگ خلاقانه و توسعه خودکار آمدی)؛ مقوله محوری دارای چهار مقوله، عوامل زمینه‌ای دارای سه مقوله (عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی و عوامل اقتصادی)؛ عوامل مداخله‌ای دارای سه مقوله (عوامل کالبد آموزشی، فعالیت‌های یاددهی و یادگیری و تکنولوژی آموزشی)؛ راهبردها دارای سه مقوله (عوامل ارتباط با جامعه، سازمان مثبت‌گرا و دانش‌افزایی خلاقانه) و پیامدها دارای سه مقوله (عوامل تربیت شهروند مطلوب، بهبود بهره‌وری و اعتلای توانمندی‌ها) بود. بر اساس ابعاد و مولفه‌های استخراج شده جدول (۴)، الگوی مدرسه خلاق در شکل (۱) ارائه شده است.

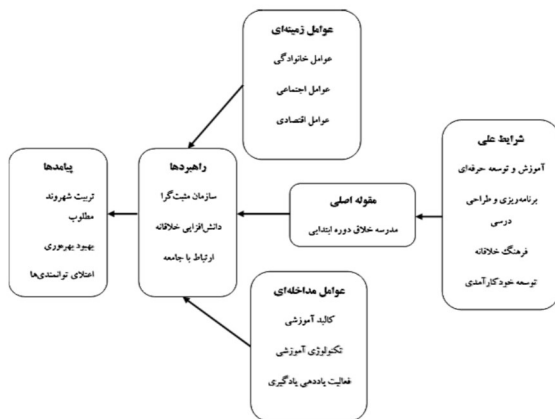
جدول ۴: کدهای انتخابی، محوری و باز

کدهای انتخابی	کد محوری	کدهای باز
عوامل علی	آموزش و توسعه حرفه‌ای	شناخت روش تدریس فعال (م ۴، م ۸، م ۱۰)
		توجه به تفاوت‌های فردی (م ۱، م ۳، م ۵)
		دانش خلاقانه (م ۲، م ۷، م ۸، م ۱۱، م ۱۲)
		تسلط بر سبک مدیریتی کلاسی (م ۱، م ۲، م ۷، م ۸، م ۱۲)
		آگاهی علمی معلمان (م ۴، م ۵، م ۸، م ۱۰)
		شناخت محیط آموزشی (م ۱، م ۹)
		فن بیان معلم (م ۲، م ۵، م ۸، م ۱۰)
		تبادل تجارب (م ۴، م ۸، م ۱۲)
برنامه‌ریزی و		پشتیبانی از یادگیری مستمر (م ۳، م ۴، م ۹، م ۱۰)
		دموکراسی آموزشی (م ۵، م ۷، م ۹)
		مضامین درسی خلاقانه (م ۶، م ۹، م ۱۱، م ۱۲)
		تفکر واگرا در برنامه درسی (م ۱، م ۲، م ۵، م ۱۰)
		رشد و توسعه تفکر الگوریتمی (م ۵، م ۶، م ۸، م ۹)

زمان انتظار در برنامه درسی (م ۸، م ۲، م ۱۱) رویکرد ارزشیابی (م ۱، م ۵، م ۷، م ۸)	طراحی درسی	
حمایت از اندیشه‌های خلاقانه (م ۳، م ۵، م ۹، م ۱۱) ترویج روحیه‌ی پژوهشگری (م ۲، م ۷، م ۸، م ۱۱، م ۱۲) روحیه تحول‌پذیر (م ۲، م ۳، م ۵، م ۹، م ۱۰) ایجاد فرهنگ بازخورد (م ۴، م ۶، م ۸، م ۱۰) تشویق به ریسک‌پذیری (م ۵، م ۹، م ۱۰، م ۱۲) توجه به شکست (م ۶، م ۸، م ۹، م ۱۲)	فرهنگ خلاقانه	
یادگیری مستقل و یادگیری خود انگیزه در دوره ابتدایی (م ۵، م ۶، م ۷، م ۱۲) ریسک‌های مسئولانه (م ۲، م ۳، م ۷، م ۱۲) بازتاب خودبرتری (م ۵، م ۸، م ۱۰) توسعه استقلال روانی در فرد (م ۲، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۲) حمایت از انگیزه ذاتی دانش‌آموز (م ۶، م ۷، م ۹، م ۱۰)	توسعه خودکارآمدی	
مدرسه خلاق محیطی برای ابراز ایده‌ها و خلاقیت (م ۱، م ۲، م ۳، م ۵، م ۶، م ۸، م ۱۰) مدرسه خلاق سیستمی برای یادگیری عملی و تجربی (م ۱، م ۳، م ۶، م ۹، م ۱۰، م ۱۲) مدرسه خلاق محیطی با جو مشارکتی و همکاری (م ۱، م ۲، م ۵، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۰، م ۱۱) مدرسه خلاق، سیستمی برای رشد و نمو تنوع در یادگیری (م ۳، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۰، م ۱۲)	مقاله محوری	
توسعه استقلال فردی در خانواده (م ۳، م ۴، م ۷، م ۱۰) وضعیت اقتصادی خانواده (م ۵، م ۶، م ۸، م ۹، م ۱۲) وضعیت اجتماعی خانواده (م ۱، م ۵، م ۹، م ۱۱) سبک تربیتی خانواده (م ۱، م ۲، م ۶، م ۷، م ۸، م ۱۱، م ۱۲) سطح تحصیلات والدین (م ۱، م ۲، م ۴، م ۶، م ۸، م ۱۰) جو عاطفی خانواده (م ۲، م ۶، م ۷، م ۸) پذیرش ایده‌های فرزندان (م ۸، م ۹، م ۱۰، م ۱۱)	عوامل خانوادگی	
باورهای اجتماعی (م ۱، م ۲، م ۳، م ۴، م ۸، م ۱۰) همسویی فرهنگ محیطی با محتوای آموزشی (م ۳، م ۴، م ۶، م ۸، م ۱۲)		عوامل زمینه‌ای

عوامل اجتماعی	اجتماع یادگیری (م ۳، ۵، ۷)
	تخصیص بودجه دولتی (م ۲، ۵، ۷، ۱۱)
عوامل اقتصادی	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (م ۱، ۵، ۸، ۹، ۱۲)
	حمایت مالی از افراد مولد (م ۳، ۸، ۹)
عوامل مداخله‌ای	رنگ فضای آموزشی (م ۲، ۴، ۵، ۷)
	توسعه مناظر طبیعی در بافت‌های آموزشی (م ۵، ۶، ۸)
	اتاق بازی و یادگیری (م ۱، ۳، ۷، ۹)
	مواد و منابع آموزشی (م ۶، ۷، ۹، ۱۰)
فعالیت یاددهی یادگیری	ساختارمندی کلاس درس (م ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۲)
	بکار بست محتوای چندرسانه‌ای (م ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۲)
تکنولوژی آموزشی	رویکردهای آموزشی نوین (م ۸، ۱۰)
	فناوری اطلاعات (م ۳، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲)
ارتباط با جامعه	تراکم دانش (م ۲، ۴، ۶، ۹)
	هوشمندسازی مدارس (م ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۱۰، ۱۱)
راهنرها	بازی‌های رایانه‌ای هدفمند (م ۴، ۶، ۸، ۱۰)
	همکاری با سازمان‌ها (م ۳، ۵، ۸، ۱۰)
	شراکت با والدین (م ۲، ۴، ۹، ۱۱)
	برگزاری رویدادهای مشترک (م ۱، ۳، ۶، ۸، ۹)
سازمان مثبت‌گرا	تدوین سیاست‌های انگیزشی و تشویقی (م ۷، ۸، ۹، ۱۲)
	اجرای طرح و برنامه‌های مبتکرانه (م ۳، ۵، ۸، ۹)
دانش‌افزایی خلاقانه	توسعه تجهیزات آموزشی (م ۱، ۳، ۵، ۷، ۸، ۱۰)
	سرزندگی شغلی معلمان (م ۲، ۴، ۵، ۸، ۱۱)
	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت (م ۱، ۲، ۳، ۴، ۶، ۸، ۱۰)
	آموزش و مشاوره خانواده (م ۹، ۱۱)
	ترویج پژوهش (م ۳، ۵، ۶، ۱۲)

تقویت هوش فرهنگی دانش‌آموزان (م ۲، ۵، ۷، ۸)	تربیت شهروند مطلوب	پیامدها
تربیت افراد متخصص (م ۲، ۵، ۶، ۸، ۱۰)		
ارتقاء کیفیت زندگی افراد (م ۱، ۵، ۷، ۱۲)		
حل معضلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی (م ۲، ۴، ۶، ۱۰، ۱۲)	بهبود بهره‌وری	اعتلای توانمندی‌ها
کاهش هزینه‌ها، ضایعات و اتلاف منابع (م ۲، ۴، ۷، ۸)		
خلق عدالت آموزشی (م ۸، ۹، ۱۰، ۱۲)		
انعطاف‌پذیری شناختی (م ۲، ۴، ۵، ۶)		
کشف ناشناخته‌ها (م ۳، ۷، ۱۱)		



شکل ۱: الگوی نهایی مدرسه خلاق در دوره ابتدایی

سؤال دوم: آیا الگو مدرسه خلاق از اعتبار لازم برخوردار است؟

به منظور پاسخگویی به سؤال دوم پژوهش، ابتدا شاخص‌های آماری توصیفی به تفکیک جنسیت، سن، مدرک تحصیلی و سابقه خدمت محاسبه شد. نتایج نشان داد که ۵۸/۵٪ از پاسخگویان مرد و ۴۱/۵٪ از پاسخگویان زن بودند. و بیشترین رده سنی ۳۰-۴۰ سال ۴۴٪ بود. در ارتباط با مدرک تحصیلی نیز ۵۲/۵٪ دارای مدرک کارشناسی، ۴۳٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد؛ ۴/۵٪ دارای مدرک دکتری بودند. و از لحاظ سابقه خدمت ۵۰/۵٪ دارای سابقه خدمت ۱-۱۰ سال؛ ۲۳٪ دارای سابقه خدمت ۱۱-۲۰ سال؛ ۲۶٪ درصد دارای سابقه خدمت ۲۱-۳۰ بودند. در ادامه جهت اعتباریابی کمی و بررسی برازش الگو و استفاده از آزمون‌ها ابتدا شرایط پارامتریک و ناپارامتریک داده‌ها مشخص شدند. جهت بررسی توزیع نرمال یا غیرنرمال داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول ۵: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی توزیع نرمال یا غیر نرمال داده‌ها

مقولات	آماره آزمون	سطح معناداری
عوامل علی	۰/۱۰	۰/۰۰۱
مقوله محوری	۰/۰۶۷	۰/۰۰۲
راهبردها	۰/۰۶۸	۰/۰۰۱
عوامل مداخله‌گر	۰/۰۹۸	۰/۰۰۱
شرایط زمینه‌ای	۰/۰۸۴	۰/۰۰۱
پیاپی‌ها	۰/۰۷۸	۰/۰۰۳

با توجه به سطح معناداری همه مقولات ($\text{sig} < 0/05$) داده‌ها دارای توزیع غیرنرمال هستند و دارای شرایط غیرپارامتریک هستند. لذا جهت بررسی و اعتباریابی الگوی طراحی شده از حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شد. جهت سنجش روایی و پایایی پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ و روایی سازه (همگرایی و واگرایی) استفاده شد. نتایج آزمون آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده مقولات به شرح زیر بود:

جدول ۶: میزان آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده مقولات

مقولات	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (C.R)	میانگین واریانس استخراج شده (AVA)	ضریب تعیین (R^2)
عوامل علی	۰/۹۸۰	۰/۹۸۱	۰/۶۶۸	—
مقوله محوری	۰/۷۲۶	۰/۸۲۹	۰/۵۵۰	۰/۴۶۳
راهبردها	۰/۸۸۴	۰/۹۰۴	۰/۵۵۴	۰/۷۶۶
عوامل مداخله‌گر	۰/۹۵۳	۰/۹۵۹	۰/۶۷۸	—
شرایط زمینه‌ای	۰/۹۲۸	۰/۹۳۷	۰/۵۳۵	—
پیاپی‌ها	۰/۹۰۷	۰/۹۲۵	۰/۶۰۶	۰/۳۷۹

با توجه به نتایج حاصل از جدول بالا پایایی همه مقولات بیشتر از ۰/۷ هستند و لذا پایایی پرسشنامه در حد ایده‌آل و مطلوب خود می‌باشد. پایایی ترکیبی همه مقولات نیز بالاتر از ۰/۷ و بیشتر از میانگین واریانس استخراج شده (AVE) است که نشان از روایی همگرایی دارد. همچنین میانگین واریانس استخراج شده (AVE) برای همه مقولات بیشتر از ۰/۵ هستند که نشان از تأیید دوباره روایی همگرایی پرسشنامه دارد. جهت بررسی روایی واگرایی نیز از روایی واگرایی یگانه-دوگانه ۱ استفاده شد. نتایج معیار HTMT به شرح جدول زیر بود:

جدول ۷: نتایج شاخص HTMT جهت بررسی روایی الگوی مدرسه خلاق دوره ابتدایی

مقولات	شرایط علی	مقوله محوری	راهبردها	شرایط مداخله‌گر	شرایط زمینه‌ای	پایامدها
شرایط علی						
مقوله محوری	۰/۸۰۴					
راهبردها	۰/۹۷۰/۶	۰/۵۲۹				
شرایط مداخله‌گر	۰/۰۴۶	۰/۱۴۹	۰/۴۳۷			
شرایط زمینه‌ای	۰/۶۶۳	۰/۴۷۸	۰/۷۵۲	۰/۲۰۵		
پایامدها	۰/۷۳۰	۰/۷۳۰	۰/۵۵۷	۰/۲۵۶	۰/۷۱۰	

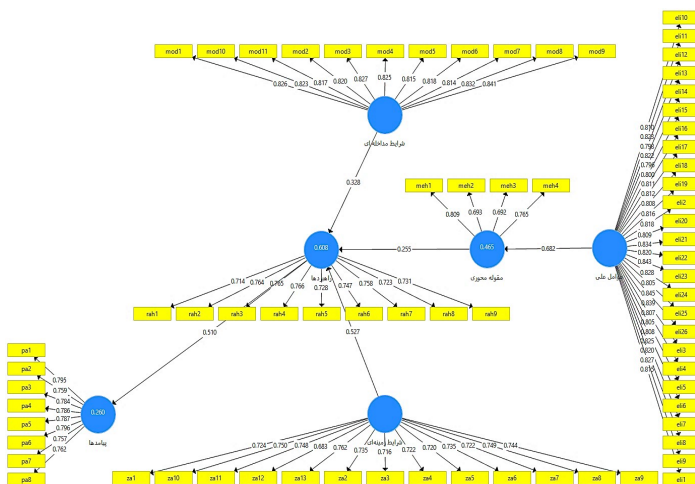
معیار HTMT جایگزین روش قدیمی فورنل-لارکر شده است. اگر مقادیر این معیار کمتر از ۰/۹ باشد روایی واگرا قابل قبول است. با توجه به اطلاعات جدول بالا همه مقادیر کمتر از ۰/۹ هستند و روایی واگرایی الگو نیز مورد تأیید است. در روند تحلیل عامل تأییدی، نخست لازم است تا روایی سازه مورد مطالعه قرار گرفته تا مشخص شود نشانگرهای انتخاب شده برای اندازه‌گیری سازه‌های مورد نظر خود از دقت لازم برخوردار هستند. با توجه به نتایج پایایی ترکیبی، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و همچنین معیار HTMT روایی سازه الگو (روایی همگرایی و روایی واگرایی) تأیید شد. جهت برازش مدل کلی از شاخص SRMR و شاخص برازش هنجار شده (NFI) استفاده شد. به طوری که اگر مقدار SRMR از ۰/۰۸ کمتر باشد یعنی مدل مطلوب بوده است؛ که در مدل پژوهش حاضر این مقدار برای مدل اشباع شده ۰/۰۴۲ گزارش شده است و در ادامه مقدار (NFI) باید بزرگتر مساوی ۰/۹ باشد که در مدل حاضر تقریباً برابر با ۰/۹۰ است. همچنین در ادامه جهت بررسی تناسب پیش بین مدل از شاخص شاخص Q^2 که به شاخص استون و گیسر معروف است استفاده شد. به طوری که معمولاً مقدار بالاتر از ۰/۳ نشان از تناسب پیش بین مدل است. که نتایج حاکی از تناسب پیش بین مدل است.

¹ Heterotrait-Monotrait Ratio

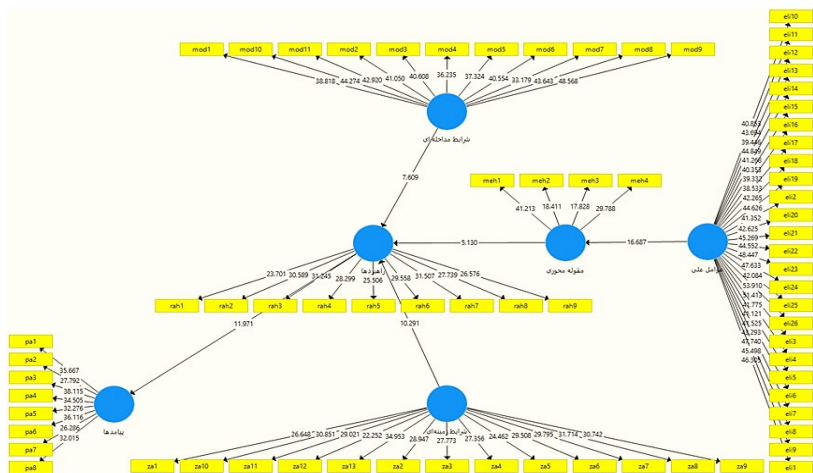
جدول ۸: شاخص استون و گیسر برای تناسب مدل با مقدار ضریب Q^2

مقولات	SSO	SSE	Q^2
شرایط علی	۲.۹۴۳/۰۰۰	۱.۷۷۲/۴۷۱	۰/۳۹۸
مقوله محوری	۴.۲۵۱/۰۰۰	۲.۵۶۶/۱۱۶	۰/۳۹۶
راهبردها	۳.۵۹۷/۰۰۰	۱.۶۸۸/۶۵۵	۰/۵۳۱
شرایط مداخله‌گر	۸.۵۰۲/۰۰۰	۳.۸۲۶/۵۷۷	۰/۵۵۰
شرایط زمینه‌ای	۱۰.۲۹/۲۵۵	۱.۳۰۸/۰۰۰	۰/۳۰۰
پیامدها	۲۶۱۶/۰۰۰	۱.۵۰۰/۹۴۲	۰/۴۲۶

در ادامه و در شکل شماره ۴، ارتباط متغیرهای پژوهش با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی و با نرم‌افزار Smart PLS و همچنین در شکل شماره ۳، مقدار آماره T برای مدل کلی پژوهش با استفاده از تکنیک بوت استرپینگ نشان داده می‌شود.



شکل ۲: مقدار ضرایب مسیر و بارهای عاملی



شکل ۳. مدل کلی پژوهش بر اساس آماره t

با توجه به نتایج به دست آمده از دو نمودار، تمامی مسیرها معنی‌دار می‌باشند. تمامی مسیرها پیوسته از مقدار بحرانی ۰/۱۶ در حالت ضرایب استاندارد هستند) و مقادیر **T-Value** نیز در بازه بحرانی ۱/۹۶- تا ۱/۹۶+ قرار نگرفته است. پس تمامی مسیرها معنی‌دار بوده و مدل پژوهشی دارای برازش مناسبی است و خلاصه آن در جدول شماره ۹ ارائه شده است.

جدول ۹: ضرایب مسیر و مقدار معناداری ابعاد مدارس خلاق

ابعاد	ضرایب مسیر	ضرایب معناداری (T-Val ue)
مقوله محوری → شرایط علی	۰/۶۸۲	۱۶/۶۷۸
راهبردها → مقوله محوری	۰/۲۵۵	۵/۱۳۰
راهبردها → عوامل مداخله‌گر	۰/۲۲۸	۷/۶۰۹
راهبردها → شرایط زمینه‌ای	۰/۵۲۷	۱۰/۲۹۱
پیامد → راهبردها	۰/۵۱۰	۱۱/۹۷۱

طبق نتایج به دست آمده از جدول (۹) مقدار ضرایب مسیر بزرگتر مساوی ۰/۳ است و از آنجایی که در سطح اطمینان ۰/۰۵ مقدار t بزرگتر از ۱/۹۶ است، پس می‌توان نتیجه گرفت که روابط مثبت و معنادار هستند. در نهایت طبق نتایج مدل شبکه‌ای الگوی مدرسه خلاق تدوین شد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی الگوی مدرسه خلاق در دوره ابتدایی صورت گرفت. الگوی مدرسه خلاق در دوره ابتدایی، با هدف ایجاد محیطی پویا و نوآورانه برای دانش آموزان، مستلزم توجه به عوامل متعددی است که در ادامه به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود. طبق نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر ۶ مقوله اصلی بر اساس مدل پارادایمی بدست آمد. عوامل علی شامل رشد و توسعه حرفه‌ای، برنامه‌ریزی و طراحی درسی، فرهنگ خلاقانه و توسعه خودکارآمدی می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان ادعای داشت که در دنیای پویای امروز، نظام‌های آموزشی برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون دانش آموزان و آماده کردن آنها برای چالش‌های آینده، به تحول و نوآوری نیاز دارند. در این میان، توسعه حرفه‌ای معلمان به عنوان یکی از ارکان اصلی این تحول، نقشی اساسی در ارتقای کیفیت آموزش و پرورش ایفا می‌کند. نوآوری در آموزش و توسعه حرفه‌ای معلمان، فرآیندی مستمر و پویا است که نیازمند تعهد و همکاری همه جانبه از سوی معلمان، مدیران، سیاستگذاران و ذینفعان نظام آموزشی است. مطالعات نشان می‌دهد که توسعه صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان، از جمله تسلط بر مهارت‌های آموزشی و روش‌های تدریس نوآورانه، می‌تواند به بهبود کیفیت آموزشی و پرورش خلاقیت در دانش آموزان منجر شود (رضایی و سلیمان پورعمران، ۱۳۹۴). مطالعات اخیر نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه حرفه‌ای معلمان، به‌ویژه آن‌هایی که بر خلاقیت تأکید دارند، تأثیر مثبتی بر توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان و رفتار خلاق آن‌ها و دانش آموزان دارند. به‌عنوان مثال، حوریزاده (۱۳۸۹) در پژوهشی بر این باورند که درس‌پژوهی خلاقیت محور باعث افزایش خلاقیت در معلمان و دانش آموزان شده و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان را بهبود بخشیده است (حوریزاده، ۱۳۸۹). همچنین، توسعه حرفه‌ای معلمان با بهبود عملکرد آن‌ها در مدارس و نظام آموزش و پرورش مرتبط است. پژوهشی در این زمینه نشان داد که آموزش‌های لازم برای توانمندسازی معلمان می‌تواند به بهبود کیفیت تدریس و تربیت دانش آموزان خلاق و مستقل منجر شود (کشاوری و همکاران، ۱۴۰۳). علاوه بر این، رابطه مثبت و معناداری بین یادگیری خودراهبر و تفکر خلاق با توسعه حرفه‌ای معلمان وجود دارد. پژوهشی در اصفهان نشان داد که خودراهبری در یادگیری و تفکر خلاق می‌تواند به توسعه حرفه‌ای معلمان کمک کند و در نتیجه، کیفیت آموزش در مدارس ابتدایی را بهبود بخشد (رحیمی، عزیزی، صفارحیدی، ۱۴۰۰). در نتیجه، توسعه حرفه‌ای معلمان به عنوان یکی از عوامل کلیدی در الگوی مدارس خلاق در دوره ابتدایی، با ارتقای مهارت‌ها و دانش معلمان، به بهبود کیفیت آموزش و پرورش و پرورش دانش آموزان خلاق و مستقل کمک می‌کند.

برنامه‌ریزی و طراحی درسی یکی دیگر از عوامل علی در الگوی مدارس خلاق در دوره ابتدایی است که نقشی اساسی در پرورش خلاقیت دانش آموزان ایفا می‌کند. برنامه‌های درسی که به‌طور خاص برای تقویت خلاقیت طراحی شده‌اند، می‌توانند محیط‌های یادگیری را فراهم کنند که در آن‌ها دانش آموزان به تفکر انتقادی، حل مسئله و نوآوری تشویق می‌شوند. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی مبتنی بر فلسفه برای کودکان (فیک) تأثیر مثبتی بر رشد خلاقیت دانش آموزان دارند. در تایید این تبیین می‌توان به نتایج به دست آمده از پژوهش کنعانی هرنندی و همکاران (۱۴۰۱) اشاره کرد که نشان داد، اجرای برنامه درسی فلسفه برای کودکان منجر به افزایش خلاقیت و مؤلفه‌های آن مانند انعطاف‌پذیری، ابتکار، بسط و سیالی در دانش آموزان می‌شود (کنعانی هرنندی و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر این، برنامه‌های درسی که از روش‌های آموزشی مبتنی بر بازی، مانند برنامه‌های لگومحور، استفاده می‌کنند، می‌توانند خلاقیت دانش آموزان را تقویت کنند. پژوهشی در سال ۲۰۲۲ نشان داد که به‌کارگیری برنامه درسی لگومحور در آموزش مفاهیم ریاضی پایه دوم ابتدایی، تأثیر مثبتی بر خلاقیت دانش آموزان دارد (نجفی و

سعادت‌مند، ۱۴۰۳). همچنین، طراحی برنامه‌های درسی که به مهارت‌آموزی و توسعه مهارت‌های عملی دانش‌آموزان توجه دارند، می‌تواند به پرورش خلاقیت در مدارس ابتدایی کمک کند. محمودی (۱۴۰۳) به بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره ابتدایی به مهارت‌آموزی پرداخت و نشان داد که برنامه‌های درسی مهارت‌محور می‌توانند به توسعه خلاقیت و توانمندی‌های دانش‌آموزان منجر شوند (محمودی، ۱۴۰۳). علاوه بر این، برنامه‌ریزی و طراحی درسی مناسب نیز با تأکید بر مهارت‌های تفکر خلاق، بستری برای تقویت خلاقیت دانش‌آموزان فراهم می‌کند. در این راستا، طراحی برنامه‌های درسی که به توسعه مهارت‌های تفکر خلاق می‌پردازند، می‌تواند مؤثر باشد (صفایی و همکاران، ۱۴۰۰).

طبق نتایج، ایجاد فرهنگ خلاقانه در مدرسه و تقویت خودکارآمدی معلمان و دانش‌آموزان، از دیگر عوامل مؤثر در موفقیت الگوی مدرسه خلاق است. تحقیقات حاکی از آن است که فرهنگ مدرسه می‌تواند تأثیر بسزایی در توسعه حرفه‌ای معلمان داشته باشد (نیکنامی و کریمی، ۱۳۹۸). در نتیجه، طراحی برنامه‌های درسی که به توسعه خلاقیت و مهارت‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان توجه دارند، می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی در الگوی مدارس خلاق در دوره ابتدایی محسوب شود. این برنامه‌ها با فراهم کردن فرصت‌های یادگیری متنوع و تشویق دانش‌آموزان به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری، زمینه‌ساز پرورش خلاقیت و نوآوری در آن‌ها می‌شوند. بنابراین، توجه به این عوامل و برنامه‌ریزی جهت تقویت آن‌ها، می‌تواند در رشد و نمو مدرسه خلاق در دوره ابتدایی مؤثر باشد. همچنین نتایج به دست آمده حاکی از آن است که فرهنگ خلاقانه و خودکارآمدی از مقوله‌های دیگر عوامل علی هستند که می‌تواند در شکل‌گیری مدارس خلاق در دوره ابتدایی نقش بسزایی ایفا نمایند. به عبارتی فرهنگ خلاقانه در مدرسه محیطی را فراهم می‌کند که در آن دانش‌آموزان تشویق به تفکر نوآورانه، بیان ایده‌های جدید و پذیرش چالش‌های فکری می‌شوند. این فرهنگ با ایجاد فضایی که در آن اشتباهات به‌عنوان فرصت‌های یادگیری دیده می‌شوند، به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا بدون ترس از شکست، خلاقیت خود را بروز دهند. مطالعات نشان می‌دهد که وجود فرهنگ خلاقانه در مدرسه با مؤلفه‌هایی نظیر مشارکت، استقلال از خلاقیت، روحیه پژوهشگری و آزادی اندیشه و عمل، تأثیر مستقیمی بر توسعه خلاقیت دانش‌آموزان دارد. و مقوله خودکارآمدی که به باور فرد نسبت به توانایی‌های خود در انجام وظایف و مواجهه با چالش‌ها اشاره دارد؛ در زمینه خلاقیت، به این معناست که دانش‌آموزان به توانایی خود در تولید ایده‌های نو و حل مسائل به صورت خلاقانه ایمان داشته باشند. تحقیقات نشان می‌دهد که خودکارآمدی خلاق معلمان نیز می‌تواند بر عملکرد تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد؛ به‌طوری‌که معلمان با خودکارآمدی خلاق بالا، محیط‌های یادگیری پویاتری ایجاد کرده و دانش‌آموزان را به خلاقیت ترغیب می‌کنند. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های صالحی (۱۴۰۲)؛ کارخانه‌ای، کریمی و نیکان (۱۴۰۲)، یاسمی و همکاران (۱۳۹۹) همسو است.

علاوه بر عوامل علی، بر اساس مدل پارادایمی، عوامل زمینه‌ای نظیر مقوله‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی نیز به‌عنوان بستری مؤثر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان شناسایی شدند. که این عوامل می‌تواند بکارست راهبردهای خلاقانه برای توسعه مدارس خلاق در دوره ابتدایی را تحت تأثیر قرار دهند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان ادعا داشت که، خانواده به‌عنوان نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری و تقویت خلاقیت کودکان ایفا می‌کند. والدینی که با ایجاد محیطی غنی از تحریکات فکری، تشویق به بیان ایده‌های نو و فراهم‌سازی فرصت‌های یادگیری متنوع، زمینه رشد خلاقیت را در فرزندان خود فراهم می‌سازند. تحقیقات نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری والدین می‌تواند تأثیر مستقیمی بر رشد عاطفی و شناختی

کودکان داشته باشد، به‌طوری‌که شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و حمایت‌گرا نه با افزایش خلاقیت در کودکان مرتبط است. علاوه بر این، جو عاطفی خانواده و روابط مثبت بین اعضا می‌تواند بستری مناسب برای پرورش خلاقیت فراهم کند. مطالعات نشان داده‌اند که خانواده‌هایی که ارتباطات گرم و صمیمی دارند و به فرزندان خود اجازه می‌دهند تا ایده‌های خود را بیان کنند، خلاقیت بیشتری در فرزندان خود مشاهده می‌کنند. همچنین، حمایت خانواده در دوران تحصیل می‌تواند نقش مهمی در تقویت خلاقیت دانش‌آموزان داشته باشد. پژوهشی نشان داده است که حمایت خانواده و دانشگاه می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خلاقیت در دانشجویان باشد، به‌طوری‌که حمایت اطلاعاتی و عاطفی از سوی خانواده می‌تواند به افزایش خلاقیت و ریسک‌پذیری منجر شود. از سوی دیگر وضعیت اقتصادی خانواده و جامعه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر فرصت‌های آموزشی و پرورشی کودکان داشته باشد. دسترسی به منابع آموزشی متنوع، امکانات فرهنگی و فرصت‌های یادگیری خارج از مدرسه، همگی به وضعیت اقتصادی خانواده بستگی دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان خانواده‌های با وضعیت اقتصادی بالاتر، به دلیل دسترسی به منابع بیشتر، فرصت‌های بیشتری برای توسعه خلاقیت خود دارند. علاوه بر این، وضعیت اقتصادی می‌تواند بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نیز تأثیرگذار باشد. مطالعات نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در خانواده‌های با وضعیت اقتصادی پایین زندگی می‌کنند، ممکن است با چالش‌های بیشتری در مسیر تحصیلی خود مواجه شوند که می‌تواند بر توسعه خلاقیت آن‌ها نیز تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌ها و فراهم‌سازی دسترسی برابر به منابع آموزشی می‌تواند نقش مهمی در تقویت خلاقیت دانش‌آموزان ایفا کند. سیاست‌گذاران آموزشی باید به این نکته توجه داشته باشند و برنامه‌هایی را برای حمایت از دانش‌آموزان در خانواده‌های با وضعیت اقتصادی پایین تدوین کنند. همچنین محیط اجتماعی که کودک در آن رشد می‌کند، شامل مدرسه، جامعه محلی و گروه‌های همسالان، می‌تواند بر توسعه خلاقیت تأثیرگذار باشد. محیط‌های اجتماعی که تنوع فرهنگی، تعاملات مثبت و فرصت‌های مشارکت در فعالیتهای گروهی را فراهم می‌کنند، می‌توانند به تقویت خلاقیت کودکان کمک کنند. همچنین، جو حاکم بر مدرسه و روش‌های تدریس معلمان نیز به‌عنوان بخشی از محیط اجتماعی، در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، نشاط اجتماعی و سلامت روانی دانش‌آموزان نیز می‌تواند با خلاقیت آن‌ها مرتبط باشد. مطالعات نشان داده‌اند که عواملی مانند نشاط اجتماعی، سلامت روانی و رضایت از زندگی می‌توانند بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار باشند. بنابراین، ایجاد محیط‌های اجتماعی حمایتی و فراهم‌سازی فرصت‌های تعامل مثبت می‌تواند به تقویت خلاقیت در دانش‌آموزان منجر شود. مدارس و جوامع محلی باید به این نکته توجه داشته باشند و برنامه‌هایی را برای ارتقاء تعاملات اجتماعی مثبت و حمایت از خلاقیت دانش‌آموزان تدوین کنند. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش آیسته (۱۴۰۳): صادقی خیرآبادی، شهرسانی، گرامیان (۱۴۰۲): رنجر دوست و اکبری (۱۴۰۱): دولت دوست (۱۳۹۸): امینی، رحیمی، منتظر (۱۳۹۸): اکبری، جرگه و خزایی (۱۳۹۲) همسو است.

همچنین نتایج به دست آمده حاکی از آن است که، عوامل مداخله‌ای نظیر کالبد آموزشی، تکنولوژی آموزشی و فعالیت‌های یاددهی-یادگیری به عنوان عناصر کلیدی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان شناسایی شده‌اند، که بر بکاربست راهبردها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند. در شرح و تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که کالبد آموزشی (فضای فیزیکی مدرسه، شامل طراحی کلاس‌ها، نورپردازی، رنگ‌ها و چیدمان فضاها) تأثیر بسزایی بر خلاقیت دانش‌آموزان دارد. مطالعات نشان می‌دهد که محیط‌های آموزشی با طراحی مناسب می‌توانند انگیزه یادگیری و خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کنند. صراف، البرزی و امینی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر عناصر کالبدی فضاهای آموزشی بر ارتقای خلاقیت کودکان با تحلیل گرافیکی نقاشی نشان دادند که عناصر کالبدی فضاهای آموزشی می‌توانند به ارتقای خلاقیت دانش‌آموزان کمک کنند. علاوه بر این، محیط‌های آموزشی که امکان تعاملات

گروهی و فعالیت‌های مشارکتی را فراهم می‌کنند، می‌توانند به توسعه مهارت‌های اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان کمک کنند. طراحی فضاهایی که انعطاف‌پذیر بوده و امکان تغییر چیدمان را دارند، می‌تواند به معلمان در اجرای روش‌های تدریس خلاقانه یاری رساند. از طرفی استفاده از فناوری‌های نوین در فرآیند آموزش می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی خلاقیت دانش‌آموزان را تقویت کند. ابزارهای دیجیتال، نرم‌افزارهای آموزشی و دسترسی به منابع آنلاین، فرصت‌های جدیدی برای یادگیری خلاقانه فراهم می‌کنند. توکلی‌زاده نوقایی (۱۴۰۲) در پژوهشی بر این باور است که روش‌های تدریس معلمان می‌تواند در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی مؤثر باشد. علاوه بر این، ایجاد فرصت‌های آموزشی خارج از کلاس، دانش‌آموزان را به یادگیری فعال و خلاقانه تشویق می‌کند. فعالیت‌هایی مانند تحقیق درباره علاقه‌مندی‌ها، انجام پروژه‌های شخصی و انتخاب موضوعات اختیاری، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مفاهیم علمی و آموزشی را در زمینه‌های مورد علاقه خود تجربه و گسترش دهند. همچنین نورآبادی (۱۳۹۹) در پژوهشی بر این باور است که کاربرد تکنولوژی آموزشی در مدارس پیشرو می‌تواند به ارتقای سطح خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان منجر شود. همچنین، استفاده از تکنولوژی می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا با روش‌های جذاب و متفاوتی به یادگیری بپردازند و تجربه خلاقانه‌تری در فرآیند یادگیری داشته باشند. ابزارهایی از جمله بازی‌های آموزشی تعاملی، برنامه‌های کاربردی و فیلم‌های آموزشی کودکان را به تفکر و خلاقیت ترغیب می‌کنند. از طرفی دیگر، بکاربست روش‌های تدریس و فعالیت‌های آموزشی توسط معلمان، نقش مهمی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان دارند. استفاده از روش‌های تدریس خلاقانه و کودک‌محور می‌تواند به تقویت قوه خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کند. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های صراف، البرزی، امینی (۱۴۰۲)؛ قرالو و همکاران (۱۴۰۲)؛ نورآبادی (۱۳۹۹)؛ رحمت‌زهی، فاتحی (۱۳۹۷) همسو است.

در ادامه نتایج به دست آمده حاکی از آن است که، راهبردهایی نظیر سازمان مثبت‌گرا، دانش‌افزایی خلاقانه و ارتباط با جامعه به‌عنوان عناصر کلیدی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان تأثیرگذار هستند. که در تبیین این یافته می‌توان ادعان داشت که ایجاد یک سازمان مثبت‌گرا در مدارس ابتدایی می‌تواند به بهبود عملکرد و ارتقای خلاقیت دانش‌آموزان منجر شود. رهبری مثبت‌گرا، فرهنگ مثبت، استراتژی‌های مثبت و طراحی مثبت از جمله ابعاد مهم در این زمینه هستند. میرکاظمی و خلخالی (۱۳۹۶) به بررسی وضعیت مثبت‌گرایی سازمانی در مدارس دولتی پرداخت و نشان داد که تقویت این ابعاد می‌تواند به بهبود عملکرد مدارس کمک کند. علاوه بر این، توانمندسازی مدیران در حوزه رهبری مثبت‌گرا می‌تواند به ایجاد محیطی حمایتی و انگیزشی برای دانش‌آموزان و معلمان منجر شود. که این تبیین با نتایج به دست آمده از پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر رهبری مثبت‌گرا در بین مدیران مدارس همسو است و نشان داد که توسعه مهارت‌های رهبری مثبت‌گرا در مدیران می‌تواند به بهبود جو مدرسه و ارتقای خلاقیت دانش‌آموزان کمک کند. از طرفی، ترویج رویکردهای خلاقانه در فرآیند آموزش می‌تواند به توسعه مهارت‌های تفکر خلاق در دانش‌آموزان منجر شود. این در حالی است که تقویت ارتباط بین مدرسه و جامعه نیز می‌تواند به بهبود فرآیند آموزش و پرورش و توسعه خلاقیت در دانش‌آموزان منجر شود. مشارکت والدین و جامعه در فعالیت‌های مدرسه می‌تواند به ایجاد محیطی حمایتی و انگیزشی برای دانش‌آموزان کمک کند. علاوه بر این، تبدیل مدارس به سازمان‌های یادگیرنده می‌تواند به توسعه و یادگیری مادام‌العمر در جامعه منجر شود. ارشادی (۱۴۰۰) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر تبدیل مدارس به سازمان‌های یادگیرنده انجام داده و نشان داد که این رویکرد می‌تواند به بهبود فرآیند آموزش و پرورش و توسعه خلاقیت در دانش‌آموزان کمک کند. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های مقدس و همکاران (۱۴۰۲)؛ شبروانی شیرینی، حیدری نقدعلی، رامیان (۱۴۰۲)؛ جعفرزاده، حسینی، علایی روز پهبایی (۱۴۰۰)؛ ارشادی (۱۴۰۰)؛ مهدی‌زاده، عراقیه، حیدریه (۱۳۹۷)؛ میرکاظمی و خلخالی (۱۳۹۶) همسو

است. رشد و نمو مدارس خلاق در دوره ابتدایی می‌تواند پیامدهایی داشته باشد که در پژوهش حاضر این پیامدها عبارتند از: تربیت شهروند مطلوب، بهبود بهره‌وری و اعتلای توانمندی‌ها. در شرح و تبیین نتایج به دست آمده می‌توان اینگونه اظهار داشت که تربیت شهروندان آگاه و مسئولیت‌پذیر از اهداف اساسی نظام‌های آموزشی پیشرفته است. در مدارس ابتدایی، با تأکید بر آموزش حقوق و وظایف شهروندی، می‌توان نسلی متعهد به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی پرورش داد. مطالعات نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی متمرکز بر تربیت شهروند فعال، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های اجتماعی نظیر احترام به حقوق دیگران، حس همبستگی و مسئولیت‌پذیری را بیاموزند. ارتقای بهره‌وری در نظام آموزشی، به‌ویژه در مدارس ابتدایی، مستلزم به‌کارگیری راهکارهای مؤثر و شناسایی موانع موجود است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که جهت‌گیری به سمت بهبود فرآیندها و عملکردها از طریق شناخت وضع موجود و مشارکت همه‌جانبه تمامی افراد جامعه، به‌ویژه مسئولان، کارکنان آموزشی، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها، می‌تواند به ایجاد مدرسه به‌رهور منجر شود. توسعه توانمندی‌های معلمان و دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی، نقشی حیاتی در بهبود کیفیت آموزشی و تربیتی ایفا می‌کند. استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود و بهره‌گیری از رویکردهای نوین آموزشی می‌تواند به اعتلای توانمندی‌ها منجر شود. به‌عنوان مثال، استاندارد آذربایجان شرقی بر ضرورت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود برای اعتلای آموزشی و تربیتی در آموزش و پرورش تأکید کرده است. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های صادقی جوزانی (۱۴۰۲)؛ میرکاظمی و خلیلی (۱۳۹۶) همسو است.

محدودیت‌های پژوهش

۱. محدودیت نمونه‌گیری: این پژوهش به نمونه‌ای از معلمان و مدیران مدارس ابتدایی محدود شد و سایر گروه‌های تأثیرگذار نظیر والدین یا دانش‌آموزان به‌طور مستقیم مورد بررسی قرار نگرفتند.
۲. محدودیت زمانی و مکانی: داده‌ها در یک بازه زمانی خاص و در محدوده جغرافیایی مشخص جمع‌آوری شده‌اند که ممکن است نتایج پژوهش را به مناطق و شرایط مشابه محدود کند.
۳. محدودیت ابزار پژوهش: اگرچه ابزارهای مورد استفاده از اعتبار و پایایی مناسبی برخوردار بودند، اما ممکن است درک معلمان و مدیران از پرسش‌نامه‌ها یا مصاحبه‌ها تحت تأثیر پیش‌زمینه‌های شخصی آنان قرار گرفته باشد.
۴. چالش‌های اجرایی: محدودیت در اجرای عملی الگوی مدرسه خلاق به دلیل نیاز به منابع انسانی، مالی و زیرساختی می‌تواند از محدودیت‌های پژوهش باشد.

پیشنهادهای کاربردی

۱. آموزش معلمان برای پیاده‌سازی روش‌های خلاقانه و استفاده از فناوری‌های نوین در برنامه‌های درسی.
۲. ایجاد محیط‌های یادگیری پویا با تأکید بر طراحی فضاهای آموزشی که خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان را تشویق کند.
۳. ایجاد سیستم‌های حمایتی و تشویقی برای معلمان و مدیران مدارس به‌منظور استفاده از الگوی مدرسه خلاق.
۴. برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای والدین جهت ارتقای آگاهی آن‌ها از اهمیت خلاقیت و نقش آن در تربیت فرزندان.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. انجام مطالعات طولی برای بررسی تأثیرات بلندمدت الگوی مدرسه خلاق بر عملکرد تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان.
۲. پژوهش در مورد میزان تأثیر فرهنگ خلاقانه مدرسه بر انگیزه و رضایت شغلی معلمان.
۳. بررسی تطبیقی الگوی مدرسه خلاق با سایر مدل‌های آموزشی در کشورهای مختلف برای شناخت نقاط قوت و ضعف
۴. مطالعه بر روی تأثیر فناوری‌های نوین، نظیر هوش مصنوعی و واقعیت افزوده، در ارتقای خلاقیت دانش‌آموزان در چارچوب این الگو.
۵. طراحی پژوهش‌های میان رشته‌ای که به بررسی تعامل بین خلاقیت دانش‌آموزان و عوامل اجتماعی، روان‌شناختی، و محیطی می‌پردازند.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل (بخشی از) رساله دکتری با عنوان طراحی و اعتباریابی الگوی مدرسه خلاق در دوره ابتدایی در مقطع دکترا در سال ۱۴۰۳ است. از اساتید گرانقدر و ارجمند، به ویژه استاد راهنما و مشاور عزیز که با راهنمایی‌ها، دانش و حمایت‌های بی‌دریغ خود، این مسیر پژوهشی را هموار کردند، صمیمانه قدردانی می‌نمایم. همچنین از خانواده عزیزم که با عشق و صبر خود، همواره پشتوانه من در این مسیر بودند، سپاسگزارم. قدردانی ویژه‌ای نیز از دوستان و همکارانی دارم که در انجام این پژوهش یاربرگ من بودند. بی‌تردید این دستاورد حاصل تلاش جمعی و حمایت‌های بی‌منت این عزیزان است.

منابع

- ارشادی، رحیم. (۱۴۰۰). بررسی مدرسه به عنوان یک سازمان یادگیرنده (مدرسه یادگیرنده). آموزش و پرورش (پیش دبستانی، دبستانی، تطبیقی)، ۲۳(۲): ۸۶-۱۰۶. (لینک)
- اکبری، مرتضی؛ جرگه، مجید؛ خزایی، مرتضی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عوامل خانوادگی با میزان خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی شهرستان رودبار جنوب، همایش منطقه ای چالش‌ها و راهکارهای توسعه در مناطق محروم، کرمان (لینک)
- امینی، محمد؛ رحیمی، حمید؛ منتظر، مرجان. (۱۳۹۸). آسیب شناسی رشد خلاقیت دانش‌آموزان در نظام آموزشی ایران (مورد مطالعه: مدارس دوره متوسط اول کاشان). ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۱۹(۱)، ۸۱-۱۱۴. (لینک)
- آیسته، معصومه (۱۴۰۳). تأثیرات والدین بر خلاقیت کودکان. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش. تهران
- بهشتی قزوئی، سجاد. (۱۴۰۲). تأثیر معلم در ایجاد خلاقیت و نقش خلاقیت و نوآوری در پیشرفت دانش‌آموزان. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. (لینک)

توکلی زاده نوقابی، زهرا. (۱۴۰۲). نقش روش های تدریس در پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی. همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی. ([لینک](#))

جعفرزاده، محمدرحیم، حسینی، سیده اسماء، و علایی روزبهانی، اعظم. (۱۴۰۰). نقش میانجی گری بهزیستی روان شناختی در رابطه بین تاب آوری و ارتباط مثبت در مدرسه. رهپایی نو در مدیریت آموزشی، ۱۲ (۲ (پیاپی ۴۸))، ۱۶۵-۱۸۰.

جوادی، سمیرا؛ شهسواری، نسیم؛ ایمانی، ناهید؛ هاشمی فرد، کلثوم (۱۴۰۲). نوآوری در آموزش: توسعه حرفه ای معلمان در خدمت خلاقیت و تحول در نظام آموزشی، پانزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره، شیروان ([لینک](#))

حوریزاد، بهمن. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر درس پژوهی خلاقیت محور بر توسعه توانمندی های حرفه ای معلمان و یادگیری رفتار خلاق معلمان و دانش آموزان. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱ (۱/۷۵-۹۲). doi: 10.22054/qcpcp.2010.5867

خانی، فاطمه. (۱۳۹۹). نقش طراحی آموزشی در ارتقای خلاقیت دانش آموزان ابتدایی. مجله پژوهش های آموزشی، ۱۱ (۱)، ۲۲-۳۵.

دولت دوست، محمد (۱۳۹۸). تاثیر خانواده در تربیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. پنجمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت رحمت زهی، خدائظر، و فاتحی، نفیسه. (۱۳۹۷). نقش روش های تدریس در پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی. کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی. ([لینک](#))

رحیمی، فاطمه؛ عزیزی شمامی، مصطفی؛ صفار حیدی، حجت. (۱۴۰۰). بررسی رابطه میان توسعه حرفه ای با تفکر خلاق معلمان ابتدایی اصفهان با میانجی گری رویکرد خودراهبری. سامانه مدیریت اطلاعات پژوهشی. دانشگاه مازندران. ([لینک](#))

رضایی، فرشته؛ سلیمان پورعمران، معصومه. (۱۳۹۴). نگاهی به توسعه صلاحیت حرفه ای در معلمان. کنفرانس ملی روانشناسی علوم تربیتی و اجتماعی، بابل ([لینک](#))

رتجدوست، شهرام؛ اکبری، سیما. (۱۴۰۱). مشکلات مدارس در پرورش خلاقیت دانش آموزان. دهمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران. ([لینک](#))

شیروانی شیر، علی؛ حیدری نقدعلی، ژیل؛ رامیان، صادق. (۱۴۰۲). چالش ها و راهکارهای آموزش تفکر خلاق در مدارس ابتدایی یاسوج. نشریه تفکر و کودک، ۱۴ (۱): ۳۰۱-۳۳۰.

صادقی جوزانی، علی احمد (۱۴۰۲). مرور و مطالعه ای بر راهکارهای افزایش کیفیت آموزشی و ارتقاء کیفیت بهره وری در آموزش و پرورش، سومین کنفرانس بین المللی و چهارمین کنفرانس ملی یافته های نوین در مدیریت، روانشناسی و حسابداری، تهران ([لینک](#))

صادقی خیرآبادی، زهرا؛ شهرسانی، زهرا؛ گرامیان، مرضیه. (۱۴۰۲). بررسی عوامل و راهکارهای موثر بر انگیزش و خلاقیت دانش آموزان، سومین همایش بین المللی علوم تربیتی، مشاوره، روانشناسی و علوم اجتماعی، همدان، ([لینک](#))

صالحی، مریم. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر خلاقیت معلمان در خودکارآمد بودن خلاق دانش آموزان در مدارس، سومین همایش ملی ایده های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر ([لینک](#))

صراف، محدثه؛ البرزی، فریبا؛ امینی، امیرحسین. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر عناصر کالبدی فضاهای آموزشی بر ارتقای خلاقیت کودکان با تحلیل گرافیکی نقاشی، معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۱۶ (۴۳): ۹۱-۱۰۵.

صفایی، نصرت؛ زارعی، اقبال؛ سماوی، سید عبدالوهاب. (۱۴۰۰). طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی مبتنی بر مهارت های تفکر خلاق برای دانش آموزان دوره ابتدایی. فناوری آموزش (فناوری و آموزش)، ۱۵ (۳ (پیاپی ۵۹))، ۵۷۹-۵۹۰. ([لینک](#))

قرالو، راضیه؛ علی‌قلی‌زاد، شکیلا؛ علیلو، زهرا؛ زینال پور، مریم. (۱۴۰۲). «بهترین و موثرترین راهکارها و روش های تدریس موفق، خلاق و جذاب. اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش. (لینک)

کارخانه‌ای، حنا؛ کریمی، علی؛ نیکان، مصطفی. (۱۴۰۲). مقایسه میزان خودکارآمدی خلاق در دانش‌آموزان ابتدایی مدارس دولتی و غیردولتی ناحیه ۲ شهرستان کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲، نهمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران. (لینک)

کشاورز، ربابه؛ دهقان، علیرضا؛ کشاورز، مریم (۱۴۰۳). نقش توسعه حرفه‌ای در بهبود عملکرد معلمان در مدارس و نظام آموزش و پرورش، سومین کنفرانس ملی تازه‌های روانشناسی تکاملی و تربیتی، بندرعباس. (لینک)

محمودی، بصیره. (۱۴۰۳). بررسی ویژگی‌های برنامه درسی خلاقیت محور. (لینک)

مقدس، موسی؛ جعفری، پروش؛ نوررحمانی، محمد؛ قلی‌قورچیان، نادر (۱۴۰۲). شناسایی عوامل موثر بر رهبری مثبت گرا در بین مدیران مدارس، رهبری و مدیریت آموزشی. (۱۷۲): ۱۹۴-۲۱۱

مهدی زاده، امیرحسین، عراقیه، علیرضا، و حیدریه، حسین. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی ناحیه یک آموزش و پرورش بهارستان. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، (۳)، ۱۹۳-۲۱۵. (لینک)

میرکاظمی، سیده مریم؛ خلخالی، علی (۱۳۹۶). بررسی وضعیت مثبت‌گرایی سازمانی در مدارس دولتی. پژوهشنامه تربیتی. ۵۰ (۱۳): ۱۶۵-۱۸۰

نجفی مرغلکی، راضیه؛ سعادت‌مند، زهره. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر به کارگیری برنامه درسی لگومحور بر خلاقیت دانش‌آموزان در مفاهیم ریاضی دوره اول ابتدایی (پایه دوم دبستان). (لینک)

نورآبادی، سولماز. (۱۳۹۹). کاربرد تکنولوژی آموزشی در مدارس پیشرو و تأثیر آن در ارتقای سطح خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان. نشریه فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری. ۳ (۳): ۶۲-۵۷

نیکنامی، مصطفی، و کریمی، فریبا. (۱۳۹۸). صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان آموزش. انتشارات سمت

یاسمی، صدیقه، حسینی خواه، علی، کیان، مرجان، گرامی پور، مسعود، و حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مدرسه خلاق برای دوره ابتدایی و اعتباربخشی آن از دیدگاه متخصصان. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، (۲)، ۱۷۱-۲۰۸. (لینک)

Baer, J., & Kaufman, J. C. (2006). Creativity research in English-speaking countries. In J. C. Kaufman, & R. J. Sternberg (Eds.), the international handbook of creativity. New York, NY: Cambridge University Press.

Colley, K. M. (2015). Cultivating creativity: The practice of teaching for creativity in the elementary classroom. Available from Dissertations & Theses @ University of Denver: ProQuest Dissertations & Theses Global. (1701284845). Retrieved from <https://searchproquestcom.du.idm.oclc.org/docview/1701284845>

Cropley, A. J. (2004). Creativity in Education & Learning: A Guide for Teachers and Educators. Routledge.

Fletcher, A., & Riemer, M. (2022). Creativity in education: A pathway to problem-solving. Creativity Research Journal, 34(1), 102-112.

Hong, X., Chen, F., & Chai, C. S. (2019). A review of research on creativity in education. Educational Psychology Review, 31(4), 751-776.

- Niu, W., & Sternberg, R. J. (2003). Societal and school influences on student creativity: The case of China. *Psychology in the Schools*, 40(1), 103-114.
- Smith, J., & Brown, L. (2022). Creative approaches for special education students. *International Journal of Special Education*, 37(2), 70-55.
- Taylor, K., & Jones, M. (2023). Reducing anxiety through creative learning environments. *Journal of School Psychology*, 49(1), 15-29.
- Wyse, D., & Ferrari, A. (2015). Creativity and education: Comparing the national curricula of the states of the European Union. *British Educational Research Journal*, 41(1), 30-47.

Rethinking School Structure: Designing and Validating a Creativity-Based Model for Primary Education

Fardin Foroughi Soha^۱, Adel Zahed^۲, Ali Khaleqkhan^۳, Mehdi Moeinikia^۴

Abstract:

The aim of the present study was to identify and validate the creative school model in elementary school. The present study is applied in terms of its objective and qualitative-quantitative in terms of its content (mixed approach). In the qualitative phase, structured interviews were used to obtain data, and the results obtained were analyzed using the Strauss and Corbin method in the form of open, axial, and selective codes. In the quantitative phase, data were collected using a researcher-made questionnaire based on the qualitative results of the first phase, and confirmatory factor analysis and partial least squares were used for analysis. The statistical population of the qualitative section was the heads of subject groups and outstanding teachers in Ardabil province in the academic year 1402-1403, of which 12 people were selected until theoretical saturation was achieved and with the purposive sampling method. The statistical population of the quantitative section was all male and female teachers working in the first district of Ardabil, 1070 people, who were selected as a statistical sample based on the Cochran formula and according to the principle of questionnaire reversibility, 320 people were selected as a statistical sample using the multi-stage cluster sampling method. The results indicate that in the qualitative stage, 70 open codes, 17 axial codes, and 6 selected codes were obtained, and it was determined that the creative school model is influenced by the categories of professional education and development, curriculum planning and design, creative culture, self-efficacy development, family factors, social factors, economic factors, educational structure, teaching-learning activities, educational technology, community relations, positive organization, and research promotion. Also, according to the results of the quantitative stage, all components have a positive and significant relationship with their category. ($P < 0.05$ and $t\text{-value} > 1.96$) According to the results and considering the increasing changes and developments in various fields and the development of technology, addressing creativity and investing in its growth and development is more necessary and essential than ever.

Keywords: Creativity, Creative Schools, Elementary School

¹. PhD Student in Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran. fardin.foroughi.2018@gmail.com.

². Professor, University of Mohaghegh Ardabili, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran. Zahed@uma.ac.ir

³. Associate Professor, University of Mohaghegh Ardabili, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran. alikhaleg@gmail.com

⁴. Associate Professor, University of Mohaghegh Ardabili, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil. Iran. m_moeinikia@uma.ac.ir